

نقش کمیسیون حقوق بشر در تحقق حقوق کودکان در کشورهای در حال توسعه

دکتر عسگر جلالیان^۱، یلدا سخن‌لطیف^۲

۱. عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور تهران جنوب

۲. کارشنای ارشد حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور تهران جنوب

چکیده

کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های مهم تحت نظارت شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، با هدف دفاع از حقوق میلیون‌ها کودک در جهان، و نظارت بر رفتارهای مرتبط با ایشان تشکیل شد. همه کودکان از هر نژاد، فرهنگ، مذهب، جنسیت، مقام اجتماعی، توانایی یا سن حق دارند که نیازهایشان برآورده شود، منظور حقوقی است که به آنها امکان دهد تا در نهایت توانایی خود به رشد جسمی و ذهنی برسند تا زمانی که به یک شهروند بزرگسال مسئول و علاقه‌مند به امور جامعه تبدیل شوند. از طرفی به دلیل پیچیدگی‌های اجتماعی و رفتاری جوامع امروز، به خصوص در کشورهای در حال توسعه و شرایط در حال گذار از سنت به مدرنیته آنها، نگاه سنتی هنوز غالب است، که این موضوع باید از نظر فرهنگی نیز آسیب‌شناسی شود. در حقیقت می‌توان گفت در پایان دهه دوم هزاره‌ی سوم، هنوز حقوق کودک نه تنها در ایران بلکه در سایر نقاط جهان با چالش‌های زیادی مواجه است. بسیاری از برنامه‌های مربوط به آموزش، رشد، بهداشت و حمایت کودک باید در برنامه‌ریزی‌های کلان در سطح ملی و با حمایت دولت‌ها مورد توجه قرار گیرد. البته وظایف دولت‌ها، دلیل بر نفی نقش مشارکت‌های مردمی در تحقق حقوق کودک نیست. امید که این پژوهش انگیزه و مشوقی شود برای آگاه کردن طیف‌های وسیع‌تری از جامعه، که با همتی مضاعف در جهت تحقق حقوق کودکان گام‌های موثری برداشته شود.

واژه‌های کلیدی: کمیسیون حقوق بشر، حقوق کودکان، سازمان ملل، کشورهای در حال توسعه

مقدمه

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، زیرمجموعه‌ای تحت نظارت شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد بود که دهم دسامبر ۱۹۴۶ توسط شورای اقتصادی تشکیل و در ۱۵ مارس ۲۰۰۶ با رأی اکثریت مجمع عمومی سازمان ملل متحد با شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد جایگزین شد. وظیفه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد^(۱) نشان دادن موارد نقض حقوق بشر می‌باشد و تمرکز آن بر کمک به کشورهای عضو ملل متحد برای رفع نیازهای حقوق بشری خود از راه گفتگو، ظرفیت‌سازی و کمک‌های فنی است. کشورها توسط سازمان ملل براساس وضعیت اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی^(۲)، تولید ناخالص ملی^(۳)، درآمد، صنعت‌سازی، استاندارد زندگی و غیره به دو گروه اصلی «کشورهای در حال توسعه»^(۴) و «توسعه یافته»^(۵) تقسیم می‌شوند [۱]. توسعه یافته‌ها دارای اقتصاد پیشرفته، زیرساخت‌های فناوری عالی، و فضایی سالم، آزاد و امن در مقایسه با سایرین می‌باشند. سایر کشورها که بالطبع با استاندارد زندگی نسبتاً پایین، پایه صنعتی توسعه نیافته، و شاخص پیشرفت انسانی پایین دارند، و در مجموع به قدر کافی از صنعتی شدن متناسب با جمعیت‌شان دست نیافته‌اند و حیات سطح پایینی را تجربه می‌کنند، به عنوان کشورهای در حال توسعه شناخته می‌شوند. ارتباط معناداری میان سطح درآمد کم و رشد جمعیت زیاد، بین هر دو دسته وجود دارد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه، شاخص توسعه سرمایه انسانی^(۶) است که از سال ۱۹۹۱ تا کنون از سوی برنامه توسعه سازمان ملل مرتب منتشر می‌شود. در اسناد بین‌المللی اعلامیه جهانی حقوق کودک، تعریفی از کودک بیان نشده است؛ ولی کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ماده ۱ می‌گوید: مطابق این پیمان‌نامه، هر کودک، انسانی است که هجده سالگی را هنوز تمام نکرده است [۲]. شاید تعریف کلمه کودک و بیان مفهوم آن مضحک به نظر آید، چون ممکن است تصور شود که معنای کودک از بدیهیات است. از نظر عرف دوره کودکی پس از نوزادی شروع و تا رسیدن به سن قانونی ادامه می‌یابد. حد فاصل میان نوزادی و نوجوانی را عرف عام دوره‌ای کودکی می‌گویند. حقوق کودک از زیر مجموعه‌های حقوق بشر محسوب می‌شود و به حقوق اولیه کودک از زمان انعقاد نطفه تا سن بلوغ پرداخته و تحلیل شده است. اولین سند بین‌المللی راجع به کودکان در عرصه بین‌المللی اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۵۹ تصویب شده است. مهم‌ترین مساله در بحث حقوق کودک، حفظ مصلحت اوست. تمام کودکان حق دارند که نیازهای اساسی آن‌ها برآورده شود، که نه تنها شامل نیازهای لازم برای بقا و امنیت که شامل حقوقی است که به آن‌ها امکان دهد تا حد توانایی خود به رشد جسمی و ذهنی رسیده و با توجه به سن و میزان رشد خود به عنوان عضوی از جامعه عمل نمایند و به یک شهروند بزرگسال مسئول و علاقه‌مند به امور جامعه تبدیل شوند تا آن‌ها از دوران کودکی شاد لذت برده و بتوانند به بزرگسالانی قوی، مستقل، و مسئول تبدیل شوند [۳].

کودکان از هر نژاد، فرهنگ، مذهب، جنسیت، مقام اجتماعی، توانایی یا سن، باید از تمامی حقوق خود برخوردار باشند. این قوانین باید با توجه به منحصربه‌فرد بودن هر کودک و نیازهای خاص او و بنابر شرایط سنی، شخصیت و درجه رشد جسمی و ذهنی او انجام شده و مطابق با رشد او تغییر نمایند. در بیش‌تر مواقع، حقوق کودکان با مسئولیت‌پذیری آن‌ها همراه می‌شود اما حق، چیزی نیست که فرد آن‌را در اثر انجام وظیفه به دست آورد، حق، امری ذاتی و مستقل است و نمی‌توان و نباید حقوق کودکی را به خاطر ناخشنودی از بعضی رفتارهای او، نادیده گرفته و کودک را از آن محروم کرد. از دیگر سو، رعایت حقوق، امری دو طرفه است. کودکان باید یاد بگیرند که رعایت حقوق، بخشی از الگوی روابط بشری‌ست و هر کس دارای حقوقی است که باید آن‌را رعایت کرد، که هنگام ناسازگاری حق دو طرف، به گفتگو و مذاکره پرداخت. برای مثال، کودک حق اظهار نظر دارد، اما باید گوش دادن به نظریات دیگران را هم بیاموزد. همان‌طور که در مقدمه آیین‌نامه سازمان ملل آمده است، رشد در محیطی آرامش‌بخش که منجر به روحیه صلح‌طلب و حسی از وقار، بردباری، آزادی، برابری و هم‌بستگی می‌شود، حق هر کودک است [۴].

در نظر گرفتن نظر و تصمیم کودک، حق مسلم اوست که باید با توجه به سن و میزان پختگی او مورد مطالعه قرار بگیرد اما کودک نباید با باری از مسئولیت‌هایی که حمل آن خارج از حد توانایی اوست، مواجه شود. اگر کودک جرمی مرتکب شود باید در دادگاه ویژه اطفال رسیدگی شود، کودک محکوم، کم‌تر متحمل مجازات گردیده و دوره محکومیت خود را در مراکز

اصلاح و تربیت و پرورش گاه‌ها خواهند گذراند. از طرفی به دلیل پیچیدگی‌های اجتماعی و رفتاری در کشورهای در حال توسعه و شرایط در حال گذار از سنت به مدرنیته آن‌ها، نگاه سنتی هنوز ارجحیت دارد و فرزندان به دلیل نگاه‌های جدید، روش‌های تربیتی گذشته را نمی‌پذیرند و شایسته است علاوه بر رفع نواقص موجود، از بعد فرهنگی نیز آسیب‌شناسی شود. در واقع باید گفت حقوق کودک نه تنها در ایران بلکه در سایر نقاط جهان همواره با چالش‌های زیادی روبه‌رو بوده است [۵]. بر اساس ماده یک پیمان جهانی حقوق کودک که به لحاظ تعداد آرای اخذ شده، مقبول‌ترین سند حقوق بشر در تاریخ است، به هر انسان کمتر از ۱۸ سال کودک گفته می‌شود. مگر آن که قانون قابل اعمال در مورد کودک سن قانونی کمتری را تعیین کرده باشد. این کنوانسیون شامل ۵۴ ماده و دو پروتکل اختیاری است که در این پژوهش به تفصیل بدان پرداخته شده است. بسیاری از برنامه‌های مربوط به آموزش، رشد، بهداشت و حمایت کودک باید در برنامه‌ریزی‌های کلان در سطح ملی مورد توجه قرار گیرد. از این رو نقش دولت‌ها در تأمین حقوق اصلی کودکان بسیار مؤثر است و دولت‌ها موظف هستند رشد و سلامت کودکان را تضمین کنند. البته وظایف دولت‌ها، دلیل بر نفی نقش مشارکت‌های مردمی در تحقق حقوق کودک نیست [۵]. جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۳ به صورت مشروط پیمان حقوق کودک را پذیرفته است و مجلس شورای اسلامی نیز آن را تصویب کرده است. پذیرش و تصویب پیمان در هر کشور در حکم الزام به اجرای آن است. اما تا کنون در این زمینه اقدامات جدی صورت نگرفته است و حتی در مورد اولین گام یعنی آشنایی همگان با پیمان، صرف نظر از موارد جزئی و محدود، فعالیتی انجام نشده است. آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی در مورد پیمان را می‌توان با تنظیم برنامه مشخصی از رسانه‌های گروهی به ویژه صدا و سیما در سطحی وسیعی انجام داد تا راه برای اقدامات دیگر در زمینه تحقق کودک در جامعه هموار گردد [۶].

در رابطه با تحقق حقوق کودکان و به‌طور کلی آگاه‌سازی خانواده و جامعه از حقوق مرتبط با کودکان؛ مقالات و کتب زیادی موجود است. از جمله مقاله سیدمهدی طارمی موسوی با عنوان «بررسی حقوق کودک قبل از تولد و بعد از تولد در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی»، که مشترک با محمدتقی کریم‌پور آل هاشم در سال ۱۳۹۶ نگاشته شده است. «ویژه‌نامه پیمان‌نامه حقوق کودک» که مصوب مجمع سازمان ملل متحد (یونیسف) در ایران، چاپ ۱۳۸۶ است هم یکی از مراجع مطالعاتی مهم و معتبر است. دکتر سیدعلیرضا هیرکوالی و انسیه حسینی نیز در پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۱۴، مقاله‌ای تحت عنوان «دادرسی افتراقی اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری» منتشر کرده‌اند. مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، تحت عنوان «تأثیر حقوق بشر بر مقررات دادرسی ایران ناظر به کودکان» به کوشش ل. اسدی، و با حمایت معاونت آموزش پلیس پیشگیری، چاپ اول در تهران را داشته است که مرجع قابل اتکایی در این حوزه محسوب می‌شود. ر. الیاسی نیز سال ۱۳۸۷، در فصل‌نامه دانش انتظامی، ۳۶ (۴): ص ۱۶۵-۱۳۴، مقاله‌ای با عنوان «بایسته‌های دادرسی اطفال با تأکید بر جایگاه پلیس» نگاشته است. کتاب ارزشمند «نهادهای نظارتی بین‌المللی حقوق بشر»، چاپ ۱۳۹۵، تهران، انتشارات دانشگاه علوم قضایی به قلم محسن قانع‌ی نیز یکی از منابع مهم در رابطه با تحقق حقوق کودکان است. پژوهش سیدمرتضی موسوی‌تبار در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، سال ۱۳۹۳، با عنوان «بررسی چالش‌های حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان»، که در همایش ملی ایران و چالش‌های حقوقی بین‌المللی منتشر شد نیز یکی دیگر از پژوهش‌های مرتبط انجام شده است [۷، ۸، ۱۰].

این پژوهش در صدد است با توجه به ضرورت موضوع کودکان، و ارزش و نقش آنان در حیات اجتماعی، نقش کمیسیون حقوق بشر در تحقق حقوق کودکان، در کشورهای در حال توسعه را مورد کنکاش قرار دهد. این‌که آیا قوانین، مصوبات، و سیاست‌گذاری‌ها توانسته‌اند به قدر کافی حامی حقوق کودکان دنیا باشند؟ کشورهای در حال توسعه، تفاوت‌های اساسی در اقتصاد، و شرایط اجتماعی و فرهنگی با کشورهای توسعه یافته دارند. بدیهی‌ست نظارت‌ها و نفوذ نهادهای ناظر در کشورهای در حال توسعه فرایند ساده‌ای ندارد و بعضاً دسترسی به آمارها نیز میسر نیست. در چنین شرایط پیچیده‌ای، نظارت بر حقوق کودکان مستلزم سازوکارهایی است که متضمن اجرایی‌شدن تصمیمات و اجرای قوانین باشند.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، به صورت مطالعه کتابخانه‌ای، کتب و مقالات مرتبط و فیش‌برداری است. پژوهش‌گر با مطالعه مطالب مرتبط با کمیسیون حقوق بشر، کشورهای در حال توسعه، و حقوق کودک در معانی عام و حقوقی، سعی دارد به دنبال ارتباط معنادار تفاسیر به دست آمده، و رخ داده‌های مهم مرتبط در سراسر دنیا، به ویژه کشورهای در حال توسعه در رابطه با تحقق حقوق کودکان باشد.

تحلیل یافته‌های پژوهش

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، زیرمجموعه‌ای تحت نظارت شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد بود که دهم دسامبر ۱۹۴۶ توسط شورای اقتصادی تشکیل و در پانزدهم مارس ۲۰۰۶ با رأی اکثریت مجمع عمومی سازمان ملل متحد با شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد جایگزین شد. «همه‌ی فعالیت‌های شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد را می‌توان از بدو تاسیس تا جای‌گزینی با شورای حقوق بشر، به سه دوره تقسیم کرد. کار اصلی کمیسیون در دوره اول که از ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۶ میلادی به طول انجامید، وضع قوانین و ضوابط و معیارهای حقوق بشری در قالب کنوانسیون‌های مدنی و سیاسی بود. در دوره دوم که از ۱۹۶۷ آغاز شد، با نشر گزارش‌های موضوعی توسط کارگروه‌ها و زیرمجموعه‌ها، نقض حقوق بشر را در کشورهای مختلف زیر نظر می‌گرفت و از ۱۹۹۰ تا زمان انحلال، به عنوان مشاور برای کشورهای مختلف جهان بر ارتقای حقوق فرهنگی، اجتماعی تأکید می‌کرد.» از اقدامات مهم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، تهیه اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ و معاهده بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ۱۹۶۶ و نیز طرح اعلامیه حق توسعه در ۱۹۸۶ بود [۳]. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد یکی از نهادهای سازمان ملل و از ارکان فرعی مجمع عمومی ملل متحد است که وظیفه آن نشان دادن موارد نقض حقوق بشر می‌باشد. «در پانزدهم مارس ۲۰۰۶ مجمع عمومی قطع‌نامه مهمی برای ایجاد شورای حقوق بشر به منظور جایگزینی با کمیسیون حقوق بشر تصویب کرد. شورای حقوق بشر به عنوان مجمع اصلی گفتگو و همکاری برای حقوق بشر خدمت می‌نماید. تمرکز آن بر کمک به کشورهای عضو ملل متحد برای رفع نیازهای حقوق بشری خود از راه گفتگو، ظرفیت‌سازی و کمک‌های فنی است. شورا همچنین توصیه‌هایی به مجمع عمومی برای توسعه بیش‌تر حقوق بین‌الملل در زمینه حقوق بشر ارائه می‌دهد. شورای جدید ۴۷ عضو در مقایسه با ۵۳ عضو کمیسیون حقوق بشر دارد.» [۵]. عضویت در شورای حقوق بشر برای تمامی اعضای سازمان ملل آزاد است. مجمع عمومی اعضای شورا را از طریق آراء مستقیم هر یک از کشورها به تنهایی و به واسطه اکثریت ۹۶ رأی انتخاب می‌کند. برای هر یک از کاندیداها رأی‌گیری مجزا است و هر کشوری که حمایت ۹۶ کشور را یعنی اکثریت کشورهای عضو ملل متحد و نه فقط کشورهای حاضر در زمان رأی‌گیری را به دست نیاورد نمی‌تواند به عنوان عضو شورا انتخاب شود؛ بنابراین منطقه آن کشور باید کاندیدای دیگری معرفی کند. در مقایسه، اعضای کمیسیون حقوق بشر از سوی ۵۴ عضو شورای اقتصادی اجتماعی از راه اکثریت آرای کشورهای حاضر انتخاب می‌شدند. «توزیع کرسی‌ها در شورا بر اساس حضور جغرافیایی برابر است: ۱۳ کرسی برای گروه آفریقا، ۱۳ کرسی برای گروه آسیا، ۶ کرسی برای گروه اروپای شرقی، ۸ کرسی برای گروه آمریکای لاتین و کارائیب و ۷ کرسی برای گروه اروپای غربی و سایر کشورها. شرط عضویت محدود به دو دوره متوالی برای ۳ سال است.» [۳]. با ارتقای شورا به نهادی که اعضای آن به وسیله مجمع عمومی انتخاب می‌شوند، شفافیت و حقانیت آن افزایش یافته و بهتر می‌تواند جهان‌شمولی حقوق بشر را منعکس کند. هم‌چنین شورا فعالیت تعریف شده و واضح خواهد داشت که به گونه‌ای ادواری سابقه همه کشورها در زمینه حقوق بشر را بررسی می‌کند و این کار را ابتدا از اعضای خود در مورد اجرای تعهدات حقوق بشری آنان آغاز می‌کند. نظارت‌کننده‌ها شامل سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های بین‌دولتی، نهادهای ملی حقوق بشر و کارگزاری‌های تخصصی در شورا از طریق همان ترتیبات و روش‌های مورد نیاز کمیسیون حضور خواهند داشت. کشورها توسط سازمان ملل براساس وضعیت اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص ملی، درآمد، صنعت‌سازی، استاندارد زندگی و غیره به دو گروه اصلی «کشورهای در حال توسعه» و «توسعه‌یافته» تقسیم می‌شوند.

توسعه یافته‌ها دارای اقتصاد پیشرفته، زیرساخت‌های فناوری عالی، و فضایی سالم، آزاد و امن در مقایسه با سایرین می‌باشند. سایر کشورها که بالطبع با استاندارد زندگی نسبتاً پایین، پایه صنعتی توسعه نیافته، و شاخص پیشرفت انسانی پایین دارند، به عنوان کشورهای در حال توسعه شناخته می‌شوند. لازم به توضیح است این توضیحات با گزاره «جهان سوم» که دوران جنگ سرد ساخته شد و معنای ثانویه‌ای منفی دارد؛ متفاوت است. مهم این که، برای توسعه بین‌المللی ساختاری تازه در هر دو شکل فیزیکی و سازمانی لازم است؛ نوعی دور شدن از گزینه‌هایی با ارزش افزوده پایین مثل کشاورزی و استخراج منابع طبیعی، که این قبیل جوامع و کشورها دارای نظام‌هایی مبتنی بر رشد اقتصادی خودجوش در بخش صنعت و استانداردهای زندگی بالا هستند. استفاده از گزاره «کشور در حال توسعه» را برای همه کشورهای کمتر توسعه یافته، نمی‌توان مناسب دانست. زیرا برخی کشورهای فقیر در حال بهبود اوضاع اقتصادی خود نیستند [۴&۵].



توسعه انسانی زیاد: سبز توسعه انسانی متوسط: زرد توسعه انسانی اندک: قرمز موجود نیست: خاکستری

عبارت «کشورهای در حال توسعه» اغلب به کشورهایی با سطوح پایین توسعه اقتصادی گفته می‌شود. این موضوع تا اندازه‌ای با توسعه اجتماعی از لحاظ آموزش، بهداشت، امید به زندگی و مانند آن در ارتباط است. کلاً این اصطلاح، نوعی افت را در آن کشورها بیان می‌کند. اساساً توسعه یک کشور با شاخص‌های آماری هم‌چون درآمد سرانه تولید ناخالص داخلی، امید به زندگی، نرخ سواد، و مانند آن سنجیده می‌شود. کشورهای در حال توسعه در مجموع کشورهایی هستند که به قدر کافی از صنعتی شدن متناسب با جمعیت‌شان دست نیافته‌اند و حیات سطح پایینی را تجربه می‌کنند. ارتباط معناداری میان سطح درآمد کم و رشد جمعیت زیاد، بین هر دو دسته وجود دارد.



توسعه اقتصادی براساس صندوق بین‌المللی پول: سبز
در حال توسعه خارج از محدوده صندوق بین‌المللی پول: سبز کم رنگ
ارتقاء موفق به اقتصاد توسعه یافته: قرمز
کشورهای تازه صنعتی: آبی / از تاریخ ۲۰۱۴

برخی از ارکان توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی می‌تواند دیدگاه‌ها و فرهنگ مردم؛ ظرفیت‌ها و رفتار روشن‌فکران و رهبران؛ نرخ باروری بالا، ساختارها و موسسات قانونی (حقوقی)، نقض اصل قانون، فساد بالا، و موارد مشابه هستند. برپایه شاخص توسعه انسانی در کشورهای مختلف؛ ۵۸ کشور در سطح بسیار بالای توسعه یافتگی، ۵۳ کشور در سطح بالا، ۳۹ کشور متوسط، و ۳۸ کشور در سطح پایین؛ به عبارتی، توسعه نیافته شمرده می‌شوند. ۲۴ عضو سازمان ملل به دلیل نبود اطلاعات کافی در مورد

شاخص توسعه انسانی، شامل این برآورد نمی‌شوند. این آمار از جانب برنامه عمران ملل متحد است که شاخص توسعه انسانی را در کشورهای مختلف و در سال ۲۰۱۸ نمایش می‌دهد که براساس گزارشی است که در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۸ از داده‌هایی که در ۲۰۱۷ گردآوری شده، تهیه شده است. توضیح این که در ادبیات سیاسی دهه‌ی اخیر، وضعیت سومی نیز به کار می‌رود که «کشورهای کمتر توسعه‌یافته»^(۷) نیز به دوگانه‌ی پیشین افزوده شده‌اند. ویژگی مثبت ادبیات جدید این است که همه کشورها به نوعی توسعه یافته بودند؛ برخی کمتر و برخی بیشتر. یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه، شاخص سرمایه انسانی^(۸) است که از سال ۱۹۹۱ تا کنون از سوی برنامه توسعه سازمان ملل انتشار می‌یابد [۹]. از سوی دیگر «متوسط رشد اقتصادی ایران در ۱۰ سال اخیر کمتر از ۲ درصد و نرخ انباشت سرمایه عمدتاً منفی بوده که در مقایسه با کشورهای منطقه بیان‌گر جایگاه پایین ایران در عمده شاخص‌های توسعه اقتصادی نسبت به آنهاست که تحقق اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ از حیث اقتصادی را تا حد زیادی سخت می‌کند.» [۳].

مفهوم کودک

در اسناد بین‌المللی اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، که در واقع مهم‌ترین سند بین‌المللی حمایت از حقوق کودک بوده و مشتمل بر یک مقدمه و ده ماده است و کلیات حقوق کودک را در ابعاد مختلف مورد توجه قرار داده است، تعریفی از کودک بیان نشده است؛ ولی کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ماده ۱ کودک را چنین تعریف نموده است: «مطابق این پیمان‌نامه، هر کودک، انسانی است که هجده سالگی را هنوز تمام نکرده است.» [۷].

مفهوم کودک از نگاه فقه

شاید تعریف کلمه کودک و بیان مفهوم آن مضحک به نظر آید، چون ممکن است تصور شود که معنای کودک از بدیهیات است. اما از نظر عرف دوره کودکی پس از نوزادی شروع و تا رسیدن به سن قانونی ادامه می‌یابد. حد فاصل میان نوزادی و نوجوانی را عرف عام دوره‌ای کودکی می‌گویند. علمای حقوق ذیل کلمه صغیر می‌گویند: «پسر و دختری که به بلوغ شرعی نرسیده است از محجورین است، به محض رسیدن به بلوغ حجر او محو می‌شود، بدون این که احتیاج به صدور حکم از سوی حاکم شرع باشد، اگر پیش از بلوغ به حدی رسد که دارای تمیز باشد او را صغیر می‌گویند.» هم‌چنین ذیل واژه بلوغ می‌نویسند: «سن بلوغ و رشد با پیدایش یکی از پنج وضعیت برای طفل حاصل می‌شود که عبارت از روئیدن موی در بعضی قسمت‌های بدن، (در صورت، زیر بغل و اطراف آلت)، احتلام در پسران، حیض در دختران، رسیدن به سن ۹ سال تمام در دختران و ۱۵ سال تمام در پسران، و استعداد بارور شدن دختران خواهد بود. اگر این ویژگی‌ها در کسی به منصفه ظهور و مشاهده نرسد کودک است وگرنه نوجوان یا جوان خواهد بود.» (پیشین) و نیز گفته شده که «صغار جمع صغیر است و در اصطلاح «صغیر» به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمانی و روحی لازم برای زندگانی اجتماعی نرسیده باشد.» [۸].

حقوق کودک

حقوق کودک از زیر مجموعه‌های حقوق بشر محسوب می‌شود و به حقوق اولیه کودک از زمان انعقاد نطفه تا سن بلوغ پرداخته و تحلیل شده است. اولین سند بین‌المللی راجع به کودکان در عرصه بین‌المللی اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۵۹ تصویب شده است. مهم‌ترین مساله در بحث حقوق کودک، حفظ مصلحت طفل است. تمام کودکان حق دارند که نیازهای اساسی آنها برآورده شود، که نه تنها شامل نیازهای لازم برای بقا و امنیت که شامل حقوقی است که به آنها امکان دهد تا حد توانایی خود به رشد جسمی و ذهنی رسیده و با توجه به سن و میزان رشد خود به عنوان عضوی از جامعه عمل نمایند و به یک شهروند بزرگسال مسئول و علاقه‌مند به امور جامعه تبدیل شوند. به عبارت دیگر، تعمیم دادن مفاد اعلامیه حقوق بشر به کودکان بنابر نیازهای آنان انجام گرفته است. نیازهایی که باید برای کودکان برآورده شوند تا آنها از دوران کودکی شاد و غنی

لذت برده و بتوانند به بزرگسالانی قدرتمند، مستقل، نیک‌اندیش و مسئول مبدل شوند. «چهار نیاز نخستین هر کودک به شکل زیر تعریف شده است:

بقا: اولین و مهم‌ترین حق هر کودک، حق بقاست که به معنای برطرف نمودن نیازهای او به غذا، سرپناه، امنیت و مراقبت از سلامتی اوست.

محافظت: کودکان نیازمند حفاظت شدن در مقابل صدمات و آزارهای جسمی و روحی هستند. پیشرفت: آن‌ها به تمام آن‌چه به رشد و پیشرفت‌شان کمک می‌کند نیاز دارند. آن‌ها نیازمند خانواده و دوست، عشق و شادی هستند. آن‌ها به هوای تازه و مکان‌های امن برای بازی احتیاج دارند. آن‌ها به داستان، موسیقی، مدرسه، کتابخانه و تمام لوازمی که موجب برانگیختن ذهن و قوه یادگیری‌شان شود نیازمندند. کودکان باید فرهنگ و مذهب خود را بشناسند و آن‌را به کاربردند و بیاموزند که نسبت به مظاهر زندگی و طبیعت دچار شگفتی و احترام شوند. مشارکت: کودکان باید در زندگی خانواده، مدرسه و جامعه خود سهیم باشند، مسئولیت‌هایی بر عهده داشته و بتوانند نظریات خود را بگویند. [۳].

ضوابطی برای فهم حقوق کودکان

پیش‌تر گفته شد که حقوق کودک، برابر با برآوردن نیازهای او است. بدیهی‌ست برای نیل به چنین هدفی، قوانینی به‌وجود آید. نیازهای کودکان باید با توجه به کل وجود کودک، به‌طور خاص و همراه با رشد و بالندگی او برطرف شود. «کودکان از هر نژاد، فرهنگ، مذهب، جنسیت، مقام اجتماعی، توانایی یا سن، باید از تمامی حقوق خود برخوردار باشند. این قوانین باید با توجه به یگانه بودن هر کودک و نیازهای خاص او و بنابر شرایط سنی، شخصیت و درجه رشد جسمی و ذهنی او انجام شده و مطابق با رشد او تغییر نمایند. نیازهای کودکانی که محتاج به توجه و رسیدگی ویژه بوده، از جمله دچار ناتوانی‌های جسمی و ذهنی یا توانایی‌های بیش از حد عادی هستند، باید پیش‌بینی و تامین شود. دیگر مواردی که شامل این بند می‌شوند، کودکانی هستند که در شرایط ناگوار از جمله حضور در مناطق جنگی، کمپ آوارگان، تبعیدیان بوده یا مورد آزار قرار گرفته، آسیب‌دیده یا در سوگ از دست‌دادن کسی هستند، آن دسته از کودکانی که از فقر شدید رنج می‌برند یا درگیر سواستفاده جنسی بوده، به بیماری‌هایی نظیر ایدز و مانند آن مبتلا هستند و مواردی از این دست نیز از جمله کودکان نیازمند به توجه خاص به شمار می‌آیند.» کودکان حین رشد و پرورش، به امکانات پرورشی متناسب نیاز دارند و باید در هر مرحله از زندگی، وظایفی را در راه رسیدن به آن درجه از رشد جسمی و ذهنی به پایان رسانده باشند. آن‌ها در هر مرحله از رشد به امکانات و فرصت‌های خاص نیاز دارند تا به یادگیری زبان، مهارت‌های ارتباطی، حرکتی، و توانایی درک محیط بپردازند. چنان‌چه توانایی خاصی در آن‌ها نیست، باید برای جبران‌ش یاری شوند. مثلاً یک کودک ناشنوا هم باید تا قبل از رسیدن به پنج‌سالگی، چه به شکل زبان اشاره باشد یا با آموختن تکلم با ابزارهای کمک آموزشی و مانند آن، زبان مادری خود را یاد بگیرد، چون این دوره، بهترین سن آموختن زبان است و مغز تمام ارتباطات مورد نیاز برای درک زبان را به‌وجود می‌آورد. اگر این روزنه برای آموختن بسته باشد، کودک نیازمند توجه بسیار بیش‌تر برای رسیدن به سطح سایر هم‌سن‌وسالان خود است. متأسفانه بسیاری از کودکان دنیا از ابتدایی‌ترین امکانات محروم هستند [۱۰].

حقوق، مسئولیت‌ها و مشارکت کودکان

حقوق کودکان معمولاً با مسئولیت‌پذیری آن‌ها همراه می‌شود اما حق، چیزی نیست که شخص آن‌را در اثر انجام وظیفه کسب کند، حق، امری ذاتی و مستقل است و نمی‌توان حقوق کودکی را به‌خاطر ناخشنودی از بعضی رفتارهای وی، نادیده گرفته و کودک را از آن محروم نمود. رعایت حقوق، امری دو جانبه است. آن‌چه کودکان باید بیاموزند این است که رعایت حقوق، بخشی از الگوی روابط بشر است و هر کس دارای حقوقی است که باید آن‌را رعایت کرد، که هنگام ناسازگاری حق دو طرف، به گفتگو و مذاکره پرداخت. برای مثال، کودک حق اظهار نظر دارد، اما باید گوش‌دادن به دیگران را هم بیاموزد. همان‌طور که در

مقدمه آیین نامه سازمان ملل آمده است: «رشد در محیطی آرامش بخش که منجر به روحیه صلح طلب و حسی از وقار، بردباری، آزادی، برابری و هم بستگی می شود» (پیشین: ۴۳)، حق هر کودک است. در نظر گرفتن نظر و تصمیم کودک، حق مسلم اوست که باید با توجه به سن و میزان پختگی او مورد مطالعه قرار بگیرد اما کودک نباید با باری از مسئولیت هایی که حمل آن خارج از حد توانایی اوست، مواجه شود. به عبارت دیگر، کودک حق دارد که در انجام امور خانه و مدرسه و مسئولیت های گروهی با دیگران سهیم باشد، اما میزان این شراکت باید در حد توانایی او باشد. کودکانی که به حقوق آنها احترام گذاشته شده و از آن حمایت شده باشد، به احتمال بسیار زیاد در بزرگسالی برای حقوق دیگران ارزش قائل خواهند بود. در جهان مدرن امروز حقوق کودک یکی از چالش هاست. در اکثر کشورها برای کودکان حقوق ویژه لحاظ شده و در قوانین مطرح گردیده است که شامل اصل برائت در جرایم و عدم قابلیت انتساب بزه به آنان می باشد. اگر کودک ممیز، مرتکب جرم گردد باید در دادگاه ویژه اطفال به جرایم آنان رسیدگی شود، کودک محکوم، کمتر متحمل مجازات گردیده و دوره محکومیت خود را در پرورش گاه ها خواهند گذراند. اما در گذشته وضعیت چنین نبود، مخصوصاً در قرون اولیه حتی برای انسان بالغ آزاد، حقوق مدون وجود نداشت تا چه رسد به کودکان. بنابراین ذات شکوفایی اندیشه انسان امروز، مقتضی وضع قوانین ویژه برای نونهالان بوده و چیزی غیر از آن نمی تواند باشد [۶].

آشنایی با حقوق کودک

زمان زیادی از شناخت حقوق کودک در کشورها نمی گذرد، این یک حقوق نوپا و نوظهور می باشد. انسان هنوز به همه وجوه آن آگاه نیست و متأسفانه ضرورتی در رعایت آن نمی بیند و به تدریج ابعادی از این حقوق در حال کشف است. زندگی اطفال در طول تاریخ یکنواخت نبوده است و این طور نبوده که همیشه در رفاه گذرانده باشند. زندگی آنان مدام در فراز و نشیب گزارش شده و در قدیم همراه با نوسان بوده است. ویل دورانت در تاریخ تمدن صحنه های غم انگیزی از زندگی کودکان در شرق و غرب عالم نقل می کند. وی با این که مشرق زمین را در محبت، احترام و رعایت حقوق کودکان می ستاید اما می گوید: «در چین اگر دختری بر دختران متعدد خانواده افزوده می شد، امکان داشت که نوزاد بی گناه را رها کنند تا در سرمای شب بمیرد یا خوراک گرازان طعمه طلب شود. در ژاپن پدر بزرگ می توانست فرزندان را به گناه بی عفتی یا جرم بزرگ دیگر بکشد، کودکان را به برده داران یا روسپی داران بفروشد.» هم چنین می گوید: «در آتن برای پیش گیری از افزایش جمعیت و تجزیه فقر آور اراضی، شرع و عرف کشتن نوزادان را مباح می داند، هر پدری که فرزندی ضعیف یا ناقص به وجود آورد یا او را از صلب خود نداند در کشتن مختار است.» و از زبان افلاطون نقل می کند که «همه کودکان ناتوان و نیز اطفالی که از پدر و مادر منحط یا پیر به وجود آیند باید نابود شوند. و تولد در روم خود یک حادثه ای خطر خیز بود. اگر کودک کژ و کوژی یا دختر بود پدر به حکم سنت می توانست او را بکشد.» [۴].

حقوق کودکان در ایران

یکی از مسائلی که همواره مورد بحث و چالش جدی قرار گرفته و صاحب نظران با برگزاری همایش ها، میزگردها و سمینارهای مختلف و نوشتن مقالات به واکاوی آن می پردازند تا نواقص و کاستی هایی که در این زمینه وجود دارد را تا حدی کم کنند، حقوق کودک است. کودکان به علت عدم تکامل رشد بدنی و فکری نیاز به مراقبت های خاص دارند. به ویژه آن که کودکان به خاطر نداشتن رشد کامل فیزیکی و ذهنی محتاج مراقبت و حمایت های حقوقی هستند. از دیگر سو به دلیل پیچیدگی های جوامع در کشورها به خصوص در کشورهای توسعه نیافته با توجه به فضای فرهنگی جدید و به دلیل این که این جوامع در حال گذار از سنت به مدرنیته هستند، نگاه سنتی هنوز ارجحیت دارد و فرزندان به دلیل نگاه های جدید، روش های تربیتی گذشته را نمی پذیرند. به همین دلیل است که صاحب نظران معتقدند علاوه بر رفع نواقص موجود در زمینه حقوق کودک باید از وجوه فرهنگی نیز آسیب شناسی انجام شود. در واقع باید گفت حقوق کودک نه تنها در ایران بلکه در سایر نقاط جهان همواره با چالش های زیادی روبه رو بوده است. در حالی که اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ تصویب شده بود، کنوانسیون حقوق

کودک پس از وقفه ۴۰ ساله یعنی در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسید و این خود مشکلات زیادی را در راه تحقق این حقوق ایجاد کرد اما بعد از جنگ جهانی دوم که تقریباً ۱۳ میلیون کودک در این جنگ کشته شدند رفته‌رفته جهانیان به اهمیت حقوق کودک پی بردند. از همین رو بود که کشورها کنوانسیون حقوق کودک را به تصویب رساندند تا مسائل و موانع زیادی که پیش روی تحقق این حقوق بود تا حدودی مرتفع شود و جایگاه خاص خود را پیدا کند، اما کشورها با اعمال حق شرط‌هایی به این کنوانسیون پیوسته‌اند. «کنوانسیون حقوق کودک که در سال ۱۹۸۹ به تصویب بسیاری از کشورها رسیده است، در ۵۴ ماده نوشته شده که همه ابعاد حقوق کودک را مورد تاکید قرار داده است. اما با این که نزدیک به سه دهه از تصویب کنوانسیون حقوق کودک می‌گذرد، دولت‌ها هنوز در رابطه با کودکان، مشکلات آنان و دورنمای آینده آنان در فراهم ساختن شرایط عادلانه به موفقیت چندانی دست نیافته‌اند.» ایران نیز در اسفندماه سال ۱۳۷۲ به موجب ماده واحده‌ای که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید به کنوانسیون حقوق کودک ملحق شد [۳].

البته الحاق مذکور مشروط است به آن که مفاد کنوانسیون در هر مورد و هر زمان که در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی لازم‌الرعایه نباشد که این خود یک حق شرط کلی است. تعداد کشورهایی که تاکنون به عضویت کنوانسیون درآمده اند ۱۹۲ کشور هستند که تنها سومالی و امریکا عضو کنوانسیون حقوق کودک نیستند. این دو کشور فقط کنوانسیون حقوق کودک را امضا کرده‌اند و تعداد ۷۲ کشور نیز بر آن حق شرط و اعلامیه وارد کرده‌اند. بدین ترتیب اگرچه کشورها به این کنوانسیون پیوسته‌اند ولی در هر جا که مواد این کنوانسیون با قوانین داخلی‌شان تعارض داشته باشد، قوانین داخل را اجرا می‌کنند. ناظران بر این عقیده‌اند که کشورهایی با این حق شرط عضو کنوانسیون محسوب نمی‌شوند چون حق شرط کلی با قانون معاهدات تعارض دارد و با روح و اهداف کنوانسیون در تعارض است. در واقع این حق شرط دست دولت‌ها را باز می‌گذارد تا هر اقدامی را بتوانند در مورد کودکان انجام دهند. از این‌روست که صاحب‌نظران بر این باورند که حق شرط کلی باید به موارد مشخص محدود شود تا جایی که در راستای ارتقای حقوق کودک این حق شرط‌ها کاملاً برداشته شود [۱۰].

در ماده اول کنوانسیون «منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال هستند مگر اینکه طبق قانون لازم‌الاجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر از ۱۸ سال باشد. در تمام نظام‌های حقوقی جهان، کودک از مسئولیت مبرا است» و به موجب کنوانسیون حقوق کودک انسان تا ۱۸ سالگی کودک است. در حالی که ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ می‌گوید: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبرا از مسئولیت کیفری هستند.» بلافاصله در تبصره همان ماده می‌گوید: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.» از طرفی قانون مدنی در تبصره یک ماده ۱۲۱ در مورد سن بلوغ شرعی چنین می‌گوید: «سن بلوغ در پسر ۱۵ سال قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است.» (پیشین) پس ملاحظه می‌شود جهات افتراق مقررات ایران با کنوانسیون حقوق کودک در مورد معنای واژه «کودک» دو امر مشهود است؛ اول این که بین دختر و پسر در مورد اطلاق واژه کودک فرق گذاشته است، چرا که دختر ۹ سال و پسر کمتر از ۱۵ سال را کودک می‌داند، در حالی که در مقررات کنوانسیون کودک، هر انسان کمتر از ۱۸ سال اعم از دختر یا پسر کودک نامیده می‌شود. دوم این که «دختر و پسر زیر ۱۸ سال که بالغ نیستند، دارای مسئولیت کیفری هستند و حال آن که به موجب مقررات کنوانسیون کودک این اشخاص از مسئولیت کیفری مبرا هستند. از تعارضات دیگری که قوانین ایران با کنوانسیون حقوق کودک دارد این است که در موردی که کودک به دست پدر یا جد پدری کشته شود، قاتل قصاص نمی‌شود در صورتی که به موجب مقررات کنوانسیون کودک باید در برابر هر نوع تعرض تحت حمایت قانونی قرار بگیرد. در واقع به موجب ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقرر شده است پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد، قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم می‌شود.» [۹]. قابل ذکرست «مقنن از کودک در مقابل هرگونه تعرض از سوی مادر حمایت کرده و در صورتی که وی به فرزندش آسیبی برساند، متناسب با آن مجازات می‌شود و در صورت قتل به قصاص محکوم می‌شود. در هر صورت این تعارضات از موارد مهمی است که باید به آن پرداخته شود. در هر حال کارشناسان حقوقی ایران معتقدند نظام حقوقی کشورمان در برابر حمایت از حقوق کودک کاستی‌هایی دارد که این مسائل باید مورد به مورد ریشه یابی شده و قوانینی مطابق با شرایط روز جامعه در

جهت حمایت هر چه بیش‌تر از کودکان تصویب شود. هم‌چنان که در کشورهای پیشرفته دنیا هرساله قوانین جدید و به روز برای حمایت بیش‌تر از کودکان به تصویب می‌رسد. پیمان‌نامه حقوق کودک یک کنوانسیون بین‌المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می‌کند. دولت‌هایی که این معاهده را امضا کرده‌اند موظف به اجرای آن هستند و شکایت‌های راجع به آن به کمیته حقوق کودک ملل متحد تسلیم می‌شود [۵].

پیمان‌نامه حقوق کودک

پیمان جهانی حقوق کودک که حاصل ده سال تلاش کارشناسان حقوق روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت و بهداشت و بحث و گفتگو بین نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل متحد بود، در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹، در پنجاه و چهار ماده تدوین گردید و در سال ۱۹۹۰ به تصویب سازمان ملل رسید. تاکنون ۱۹۳ کشور (تمام اعضای ملل متحد به جز ایالات متحده آمریکا و سومالی) این سند را امضا کرده‌اند و در ۱۴۰ کشور اجرا می‌شود. و به این ترتیب مقبول‌ترین سند حقوق بشر در تاریخ می‌باشد.

«کودک بر اساس ماده یک این پیمان به هر انسان کمتر از ۱۸ سال گفته می‌شود. مگر آن که قانون قابل اعمال در مورد کودک سن قانونی کمتری را تعیین کرده باشد. این کنوانسیون شامل ۵۴ ماده و دو پروتکل اختیاری بوده که چهار اصول پایه‌ای آنرا جهت می‌دهد:

- هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد.
- زمانی که در رابطه با کودکان تصمیم‌گیری می‌شود، باید منافع عالی‌ه آنان در راس قرار گیرد.
- کودکان حق حیات داشته و باید رشد کنند.
- کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و این نظرات در تمامی اموری که به آن‌ها مربوط می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد.» [۶].

پیمان جهانی حقوق کودک بر اساس پیشینه‌ای تاریخی شکل گرفته است. جنگ جهانی اول نتایج بدی برای همه به‌ویژه کودکان داشت. به‌همین علت «پس از پایان جنگ در سال ۱۹۲۳ میلادی اولین اعلامیه حقوق کودک به‌منظور حمایت از کودکان در برابر آسیب‌های ناشی از جنگ، در ژنو تنظیم گردید و در سال ۱۹۲۴ به تصویب جامعه ملل رسید. مفاد این اعلامیه بیش‌تر در زمینه فراهم کردن امکانات مناسب برای تغذیه بهداشت و مسکن برای کودکان جنگ‌زده و آواره و حمایت از آنان در برابر آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از جنگ بود. تأسیس صندوق بین‌المللی کودکان - یونیسف در سال ۱۹۶۴ که بر اساس قطع‌نامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد پس از جنگ دوم جهانی و به‌منظور حمایت از کودکان به وجود آمده، اقدام مؤثر دیگری در زمینه توجه به حقوق کودک بود. تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ گام دیگری در جهت تحقق حقوق کودکان به‌شمار می‌رفت. زیرا این اعلامیه، حقوق اساسی تمام انسان‌ها را بدون توجه به رنگ، نژاد، جنس، زبان، دین، ملیت و سایر ویژگی‌ها مطرح می‌سازد. تصویب دومین اعلامیه حقوق کودک در سال ۱۹۵۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد بنیان پیمان جهانی حقوق کودک را پایه‌ریزی کرد. این اعلامیه با مواد ده‌گانه خود حمایت از کودکان را در زمینه‌های اساسی رشد و زندگی آنان مانند حق آموزش رایگان و اجباری، عدم تبعیض، منع هر نوع بد رفتاری و آزار، برخورداری از تغذیه، بهداشت، تفریحات و مسکن مناسب و موارد مشابه مورد توجه قرار داده است.» [۸].

در سال ۱۹۷۹ میلادی، «انجمن بین‌المللی روان‌شناسان آموزشی» اعلامیه حقوق روانی کودک را که شامل ۹ اصل بود تدوین کرد. این اعلامیه نیز منبع مهم دیگری برای تدوین پیمان حقوق کودک بود. حق برخورداری از محبت، امنیت، رهایی از ترس و آزارهای جسمی و روانی، آموزش، هویت، آزادی بیان، تشویق، بازی و رشد خلاقیت از جمله اصول نه‌گانه این اعلامیه بود. در کنار این پشتوانه تاریخی، نیازهای کودکان نیز محور دیگری برای تدوین پیمان جهانی حقوق کودک بود. کودکی، دوران رشد و پرورش و شکل‌گیری شخصیت کودکان است و از این‌رو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و جا دارد که برای تأمین رشد و سلامت کودکان از همان آغاز کودکی چاره‌اندیشی شود و با رعایت حقوق اساسی آنان شرایط و امکانات مناسب برای

رشد بهتر و سالم‌تر آنان فراهم شود. به‌ویژه که کودکان به سبب ویژگی‌های سنتی خود بسیار آسیب‌پذیرند و خود قادر به حفظ حقوق خویش نیستند و نیاز به حمایت و مراقبت از جانب بزرگسالان دارند.

«نگاهی به آمارهای مربوط به کودکان در سطح جهانی وسعت و شدت این آسیب‌پذیری را نشان می‌دهد.

- ۲۵۰ میلیون کودک در جهان به کار، اشتغال دارند.
- ۱۳۰ میلیون کودک ۱۱ - ۶ سال به تحصیل اشتغال ندارند.
- ۱۴ میلیون نفر در جهان از بیماری ایدز به هلاکت رسیده‌اند که ۲۵ درصد آن‌ها کودک بوده‌اند.
- ۱۲ میلیون کودک زیر ۵ سال در اثر عوامل قابل پیش‌گیری هر سال در کشورهای در حال رشد، می‌میرند.
- ۲۹ درصد کودکان زیر ۵ سال از سوء تغذیه رنج می‌برند.
- ۲ میلیون کودک در جنگ‌ها کشته، ۴ میلیون مجروح و ۱۲ میلیون پناهنده و آواره شده‌اند. [۳].

این آمارها که نمونه‌هایی از وضعیت کودکان جهان و مشکلات آنان را نشان می‌دهد. ضرورت حمایت از کودکان را از راه تدوین پیمان‌نامه‌های جهانی و تلاش در راه تحقیق حقوق آنان مطرح می‌سازد. پذیرش گسترده پیمان جهانی حقوق کودک از طرف کشورهای جهان به دلیل خصوصیتی است که این پیمان‌نامه دارد و توانسته است در زمان نسبتاً کوتاهی، تمام دولت‌های جهان را حول محور خود گرد آورد. پیمان حقوق کودک نگرشی علمی و جامع نسبت به کودک دارد. در این پیمان تمام مسائل مربوط به رشد کودکان در زمینه‌های جسمی، ذهنی، روانی و اجتماعی به صورت یک‌پارچه مورد توجه قرار گرفته است. نگاه پیمان به کودک به عنوان موجودی مستقل، بالنده و پویا، زمینه را برای رشد و پرورش کودک در جهانی سرشار از صلح، آرامش، آزادی و امنیت، فراهم می‌سازد. انعطاف‌پذیری، خصوصیت دیگر این پیمان است که سبب شده توسط کشورهای مختلف جهان با نظام‌ها و ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت، مورد پذیرش قرار گیرد و هر کشور با توجه به شرایط خود در راه تحقق آن گام بردارد. اصولاً تحقق هر پدیده‌ای امری نسبی است و این نسبت، تابع شرایط خاص زمانی - مکانی هر کشوری است در مورد پیمان حقوق کودک، نیز وضع به همین گونه است [۹].

توجه به نهاد خانواده در کنار حفظ بیش‌ترین و بالاترین منافع و مصالح کودکان، مشخصه دیگری است که در پیمان حقوق کودک بر آن تأکید شده است. در واقع بدون توجه به مشکلات حقوق کودکان امکان‌پذیر نیست و این امر به علت نقشی است که خانواده به‌عنوان اولین و مهم‌ترین محیط رشد و پرورش کودکان در سال‌های حساس کودکی و پس از آن بر عهده دارد. نقش دولت‌ها در تحقق حقوق کودک از ویژگی‌های مهم پیمان است. بسیاری از برنامه‌های مربوط به رشد، آموزش، بهداشت و حمایت کودک باید در برنامه‌ریزی‌های کلان در سطح ملی مورد توجه قرار گیرد. از این رو نقش دولت‌ها در تأمین حقوق اساسی کودکان بسیار مؤثر و مهم است و دولت‌ها موظف هستند رشد و سلامت کودکان را تضمین کنند. البته وظایف دولت‌ها، نقش مشارکت‌های مردمی را در تحقق حقوق کودک نادیده نمی‌گیرد. «پیمان حقوق کودک شامل یک مقدمه و سه قسمت است. مقدمه موقعیت کلی پیمان را مشخص می‌کند. قسمت اول مواد ۱ تا ۴۱ را شامل می‌شود که حقوق کودک را مشخص می‌کند. قسمت دوم شامل مواد ۴۲ تا ۴۵ است که راه‌کارهای اجرایی و نظارت بر تحقق پیمان را معین می‌کند. قسمت سوم مواد ۴۶ تا ۵۴ را شامل می‌شود که نحوه پذیرش، تصویب و الحاق کشورها به پیمان را مشخص می‌سازد.

به منظور آشنایی با مواد پیمان به اختصار به آن اشاره می‌شود:

- ماده ۱ - تعریف کودک: کودک کسی است که سن او کمتر از ۱۸ سال باشد.
- ماده ۲ - منع تبعیض: تعلق حقوق کودک به تمام کودکان بدون هیچ گونه تبعیض.
- ماده ۳ - منافع عالی‌ه کودک: اولویت منافع کودک در کلیه اقدامات.
- ماده ۴ - تحقق حقوق کودک: تلاش دولت‌ها در راه تحقق حقوق مندرج در پیمان.
- ماده ۵ - سرپرستی والدین: حقوق و مسئولیت‌های والدین در پرورش کودکان.
- ماده ۶ - بقا و رشد کودک: حقوق طبیعی کودک برای زندگی و وظیفه دولت‌ها در تأمین بقا و رشد کودک.
- ماده ۷ - نام و ملیت: حق برخورداری کودک از نام و ملیت.

- ماده ۸ - حفظ هویت: وظیفه دولت‌ها در حمایت از هویت کودک.
- ماده ۹ - جدایی از والدین: حق کودک برای زندگی با والدین و ارتباط با آنان در صورت جدایی.
- ماده ۱۰ - پیوستن به خانواده: حق کودکان و والدین آن‌ها برای محقق شدن به یکدیگر در هر کشوری.
- ماده ۱۱ - انتقال غیر قانونی: وظیفه دولت‌ها در جلوگیری از انتقال غیر قانونی کودکان به کشورهای دیگر.
- ماده ۱۲ - آزادی عقیده: حق کودک برای بیان آزادانه عقاید خود.
- ماده ۱۳ - آزادی بیان: حق کودک برای بیان عقاید خود و کسب اطلاعات بدون توجه به مرزها.
- ماده ۱۴ - آزادی اندیشه و مذهب: وظیفه دولت‌ها در احترام به آزادی اندیشه و مذهب کودک.
- ماده ۱۵ - آزادی اجتماعی: حق کودکان برای تشکیل اجتماعات و پیوستن به آن‌ها.
- ماده ۱۶ - زندگی خصوصی: خودداری از دخالت در امور خصوصی و خانوادگی کودکان.
- ماده ۱۷ - دسترسی به اطلاعات: دسترسی کودکان به اطلاعات مناسب و محافظت آنان مقابل اطلاعات زیان‌بار.
- ماده ۱۸ - مسئولیت والدین: مسئولیت مشترک والدین در رشد و پرورش کودک با مساعدت دولت‌ها.
- ماده ۱۹ - حمایت در برابر بد رفتاری: وظیفه دولت‌ها در حمایت از کودکان در برابر هر نوع بد رفتاری.
- ماده ۲۰ - حمایت از کودکان بی سرپرست: حمایت از کودکان بی سرپرست و تأمین جایگزینی مناسب برای آنان.
- ماده ۲۱ - فرزندخواندگی: توجه به حفظ منافع کودک و حمایت کامل از او در امر فرزندخواندگی.
- ماده ۲۲ - کودک پناهنده: تأمین، حمایت و مساعدت دولت‌ها و دیگر سازمان‌ها برای کودکان پناهنده.
- ماده ۲۳ - کودکان معلول: توجه ویژه به مراقبت، آموزش و حمایت از این کودکان.
- ماده ۲۴ - خدمات بهداشتی: حق برخورداری کودک از بهداشت و مراقبت‌های پزشکی.
- ماده ۲۵ - بررسی موقعیت کودک: وظیفه دولت‌ها در ارزیابی منظم وضعیت کودکانی که به مؤسسات یا خانواده‌ها سپرده می‌شوند.
- ماده ۲۶ - تأمین اجتماعی: حق برخورداری کودک از بیمه و تأمین اجتماعی.
- ماده ۲۷ - سطح زندگی: وظیفه والدین و دولت‌ها در فراهم کردن سطح زندگی مناسب.
- ماده ۲۸ - آموزش و پرورش: حق برخورداری کودک از سطح مناسب آموزش و پرورش و امکانات آموزش ابتدایی رایگان و اجباری و سطوح دیگر آموزشی.
- ماده ۲۹ - هدف‌های آموزشی و پرورشی: رشد شخصیت و استعداد‌های کودک و آماده ساختن او برای زندگی فعال.
- ماده ۳۰ - کودکان اقلیت‌های مذهبی: حق برخورداری آنان از فرهنگ خود و انجام اعمال مذهبی.
- ماده ۳۱ - تفریح و فعالیت‌های فرهنگی: حق برخورداری کودک از بازی، تفریح و فعالیت‌های فرهنگی و هنری.
- ماده ۳۲ - کار کودکان: تعیین حداقل سن برای کار کودکان و حمایت از آنان.
- ماده ۳۳ - مواد مخدر: حمایت از کودکان در برابر استفاده از مواد مخدر، تولید و یا توزیع آن.
- ماده ۳۴ - سوء استفاده جنسی: حمایت از کودکان در برابر هر نوع سوء استفاده جنسی.
- ماده ۳۵ - خرید و فروش کودک: ممانعت از خرید و فروش و ربودن کودک.
- ماده ۳۶ - دیگر شکل‌های استثمار: حمایت از کودکان در برابر هر نوع استثمار و بهره‌کشی.
- ماده ۳۷ - شکنجه و بازداشت: منع شکنجه، بازداشت غیر قانونی، حمایت اعدام و حبس ابد در مورد کودک و حق دسترسی او به مشاوره حقوقی.
- ماده ۳۸ - درگیری مسلحانه: جلوگیری از درگیر شدن کودکان زیر ۱۵ سال به هر شکل در جنگ.
- ماده ۳۹ - توان بخشی: حمایت از کودکان آسیب دیده بر اثر جنگ، بد رفتاری و استثمار.
- ماده ۴۰ - دادرسی رسمی ویژه کودکان: حق کودکان مجرم برای برخورداری از امکان دفاع از خود و امکان دسترسی به مشاوره حقوقی.

ماده ۴۱ - رجحان ملاک‌های بالاتر: توجه به ملاک‌های بالاتر در زمینه حقوق کودک در صورت وجود آن‌ها در هر کشوری.

ماده ۴۲ تا ۴۵: راه کارهای اجرایی و نظارت بر اجرای پیمان.

ماده ۴۶ تا ۵۴: نحوه پذیرش و تصویب پیمان توسط کشورها. [۹].

استقبال کشورها از پذیرش پیمان حقوق کودک از آن‌جا که نشانه توجه دولت‌ها به کودکان و مسائل آنان است، بسیار امیدوارکننده است، اما این اقدام نباید در سطح پذیرش و تصویب پیمان باقی بماند. دولت‌ها باید تلاش کنند تا حد امکان، حقوق مندرج در پیمان تحقق یابد و برای دستیابی به این هدف راه کارهای کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت را پیش‌بینی و اجرا کنند. اولین گام در راه تحقق حقوق کودک، آشنایی همگان با این حقوق است. به ویژه والدین، معلمان و خود کودکان باید از این حقوق آگاهی یابند تا بتوانند در تحقق آن مشارکت فعال داشته باشند. برنامه‌ریزی مناسب در سطح ملی برای تحقق این حقوق و کاهش موانع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در این راستا، گام دیگری است که باید برداشته شود. جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۳ به صورت مشروط پیمان حقوق کودک را پذیرفته است و مجلس شورای اسلامی نیز آن را تصویب کرده است. پذیرش و تصویب پیمان در هر کشور در حکم الزام به اجرای آن است. اما تا کنون در این زمینه اقدامات جدی صورت نگرفته است و حتی در مورد اولین گام یعنی آشنایی همگان با پیمان، صرف نظر از موارد جزئی و محدود، فعالیتی انجام نشده است. آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی در مورد پیمان را می‌توان با تنظیم برنامه مشخصی از رسانه‌های گروهی به ویژه صدا و سیما در سطحی وسیعی انجام داد تا راه برای اقدامات دیگر در زمینه تحقق کودک در جامعه هموار گردد [۶].

کمیته حقوق کودک ملل متحد

کمیته حقوق کودک ملل متحد «نهادی برای بررسی پیشرفت کشورهای عضو در دستیابی به تحقق تعهدات ناشی از پیمان است که به موجب ماده ۴۳ کنوانسیون تأسیس شده و از ده کارشناس تشکیل می‌شود که از اتباع کشورهای عضو با توجه به پراکندگی جغرافیایی و نظام‌های حقوقی اصلی انتخاب می‌شوند. وظیفه اصلی این کمیته بررسی گزارش‌های رسیده از کشورهای عضو کنوانسیون، ارائه پیشنهادات یا توصیه‌های کلی بر اساس بررسی گزارش‌ها درخواست مشاوره و مساعدت فنی از صندوق کودکان ملل متحد، سازمان‌های تخصصی ملل متحد و دیگر نهادهای دارای صلاحیت است. گزارش کشورهای عضو به کمیته باید تا دو سال پس از تصویب یا الحاق و پس از آن هر پنج سال یکبار صورت پذیرد. کمیته نیز بایستی گزارش فعالیت‌های خود را هر دو سال یکبار به مجمع عمومی تسلیم کند.» حقوق کودک از دیدگاه روان‌شناسی از نیازهای اساسی کودکان است که اگر برآورده نشوند، به سلامت جسمی و روانی آنان آسیب می‌رسد و از این رو تحقق آن‌ها امری ضروری است و از آن‌جا که کودکان به علت شرایط سنی خود، از دستیابی به حقوق خویش ناتوانند، وظیفه بزرگسالان است که در این زمینه باید تلاش کنند [۷].

پروتکل‌های اختیاری

در ۲۵ مه ۲۰۰۰ الحاق دو پروتکل اختیاری به کنوانسیون مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت. یکی «پروتکل الحاقی درباره خرید و فروش کودکان، خودفروشی کودکان و هرزه‌نگاری کودکان» که این اقدامات را در کشورهای عضو ممنوع می‌سازد. و دیگری «پروتکل الحاقی درباره به کارگیری کودکان در مناقشات مسلحانه» که خدمت سربازی اجباری افراد زیر ۱۸ سال را ممنوع می‌کند و اعضا تعهد می‌کنند از هر اقدام ممکن برای جلوگیری از ورود کودکان به گروه‌های مسلح استفاده کنند. در واقع، در مراحل نخستین زندگی، نباید از کودکان انتظار داشت که دنیای سرشار از شادی و نشاط خود را با دنیای بزرگ‌ترها جا به جا کنند، بلکه باید آن‌ها را در بازی و تفریح آزاد گذاشت تا به تندرستی و سلامتی آنها آسیب وارد نشود. در بند ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک نیز آمده است: «کشورهای طرف کنوانسیون، حق کودک را برای تفریح، آرامش، بازی، فعالیت‌های خلاق مناسب سن خود و شرکت آزادانه در حیات فرهنگی و هنری به رسمیت می‌شناسند.» میان بازی و تفریح به اندازه کودک و بهداشت روانی او، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد [۲].

پرهیز از اعمال خشونت جسمی و روحی به کودک

خشونت جسمی و روحی، یکی از عوامل تخریب شخصیت کودکان است. به همین سبب، «بنا بر بند ۱ ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای طرف کمیسیون متعهد شده‌اند اقدام‌های قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر همه شکل‌های خشونت جسمی و روحی، آسیب‌رسانی و سوءاستفاده به عمل آورند.» [۴].

نقش کمیسیون حقوق بشر در تحقق حقوق کودکان در کشورهای در حال توسعه

پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک

«واقعیت این است که هیچ‌کس نمی‌تواند اهمیت مساعدتی را نادیده بگیرد که جامعه مدنی در زمینه ایجاد و توسعه ضوابط بین‌المللی حقوق بشر، حمایت از آن‌ها و انجام وظایف سازوکارهای حقوق بشر انجام داده است. امروز دیدگاه‌ها، دانش و تخصص عملی جامعه مدنی برای جنبش حقوق بشر در زمینه تحقق عدالت و برابری برای همه مانند همیشه حیاتی است. مساعدت فعالان جامعه مدنی فعالیت کارشناسان مستقلی را که به سایر سازوکارهای دیرینه حقوق بشر تعلق دارند، مانند نهادهای معاهده‌ای و رویه‌های ویژه حقوق بشر، نیز توسعه داده است. اعتبار و دانش آن‌ها بر فعالیت‌های شورای حقوق بشر، نهاد بین‌دولتی جدیدی که در ژوئن ۲۰۰۶ جای کمیسیون حقوق بشر را گرفت، نیز تأثیری حیاتی گذاشته است. مدافعان حقوق بشر، سازمان‌های غیردولتی و همه سایر عوامل ذی‌نفع جامعه مدنی کار حقوق بشر خود را به شیوه‌هایی گوناگون انجام می‌دهند: آن‌ها اطلاعات خود را در میان می‌گذارند؛ از اجرای حقوق بشر حمایت و به آن رسیدگی می‌کنند؛ موارد نقض حقوق بشر را گزارش می‌دهند و به قربانیان کمک می‌کنند؛ و برای ایجاد ضوابط جدید حقوق بشر تلاش می‌نمایند. آن‌ها این فعالیت‌ها را با آگاهی از جوامع و مخاطبان خود انجام می‌دهند. آن‌ها صدای مظلومان را به مکان‌هایی می‌رسانند که بدون کمک آن‌ها ممکن است در دسترس قربانیان نباشند، مانند مجامع و سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشر. مسلماً این نیاز وجود دارد که فعالان جامعه مدنی عمیقاً شیوه‌های کار نهادهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی حقوق بشر را درک کنند و بر آن‌ها تسلط داشته باشند. وعده‌های عدالت، منزلت و حقوق بشر برای همه مندرج در اعلامیه حقوق بشر، هنوز به‌طور کامل تحقق نیافته است.» (Navanethem Pillay : کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد) [۵].

«فعالان جامعه مدنی افرادی هستند که داوطلبانه در شکل‌های مشارکت و اقدام عمومی بر محور منافع، مقاصد یا ارزش‌های مشترکی کار می‌کنند که با آرمان‌های سازمان ملل متحد سازگار است. مدافعان حقوق بشر؛ سازمان‌های حقوق بشر (سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌ها، گروه‌های قربانی)؛ سازمان‌های متکی بر مسائل مربوطه؛ ائتلاف‌ها و شبکه‌ها (حقوق زنان، حقوق کودکان، حقوق مربوط به محیط زیست)؛ اشخاص دارای معلولیت و سازمان‌های نماینده آنان؛ گروه‌های متکی بر جامعه (مردمان بومی، اقلیت‌ها)؛ گروه‌های متکی بر دین (کلیساها، گروه‌های دینی)؛ اتحادیه‌ها (اتحادیه‌های کارگری و صنفی، انجمن‌های حرفه‌ای مانند انجمن‌های روزنامه‌نگاران، انجمن‌های وکلای دادگستری، انجمن‌های قضات، اتحادیه‌های دانش‌آموزی و دانشجویی)؛ جنبش‌های اجتماعی (جنبش‌های صلح، جنبش‌های دانش‌آموزی و دانشجویی، جنبش‌های طرفدار مردم‌سالاری)؛ افراد حرفه‌ای که به‌طور مستقیم به برخورداری از حقوق بشر کمک می‌کنند (امدادگران امور بشر دوستانه، وکلای دادگستری، پزشکان و امدادگران پزشکی)؛ اقوام قربانیان؛ و موسسات عمومی که فعالیت‌هایی به‌منظور ترویج حقوق بشر انجام می‌دهند (مدارس، دانشگاه‌ها، و نهادهای پژوهشی). یک جامعه مدنی نیرومند و مستقل، که بتواند آزادانه فعالیت کند، و در زمینه حقوق بشر مطلع و ماهر باشد، عنصری اساسی در تضمین حمایت پایدار از حقوق بشر در سطح ملی است. بنابراین فعالان جامعه مدنی شرکای اساسی در نظام حقوق بشر سازمان ملل هستند.» [۱].

«کمیته حقوق کودکان بر (اجرای) کنوانسیون حقوق کودکان^(۱) و پروتکل‌های اختیاری آن نظارت می‌کند. تعداد اعضا ۱۸ کارشناس مستقل برای دوره‌های چهار ساله قابل تمدید انتخاب می‌شوند. جلسات کمیته سه بار در سال جلسات سه هفته‌ای و

سه گروه کاری پیش‌جلسه‌ای یک‌هفته‌ای در ژانویه، مه و سپتامبر در مرکز سازمان ملل در ژنو تشکیل می‌دهد. زمان گزارش‌دهی کشورهای طرف ابتدا باید دو سال پس از به اجرا درآمدن کنوانسیون و سپس هر پنج سال گزارش دهند. کشورهای طرف پروتکل‌های اختیاری این کنوانسیون نیز باید گزارش‌هایی بر اساس این اسناد، ابتدا دو سال پس از به اجرا درآمدن آن‌ها، و سپس به پیوست گزارش‌های عادی خود به کمیته (یا هر پنج سال اگر کشور مربوطه به یک یا هر دو پروتکل اختیاری متعهد است اما به کنوانسیون متعهد نیست) تسلیم کنند. ارائه اطلاعات کتبی سازمان‌های غیر دولتی و دیگر فعالان جامعه مدنی، مانند سازمان‌های کودکان، سازمان‌های دینی، انجمن‌های حرفه‌ای و سازمان‌های خدمات اجتماعی، می‌توانند گزارش‌ها یا اطلاعات کتبی به دبیرخانه تسلیم کنند. این کار را می‌توان در هر زمان انجام داد اما بهتر است حداقل دو ماه قبل از گروه کاری پیش‌جلسه مربوطه تسلیم شود.» [۳]. «از زمان تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ تاکنون همانگونه که در منشور سازمان ملل متحد تصریح شده است، پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و نظارت بر اجرای حقوق بشر یکی از اهداف مهم این سازمان محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای سازمان ملل و عضو اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کنوانسیون حمایت از حقوق کودک و دو پروتکل الحاقی آن، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی و کنوانسیون حمایت از حقوق معلولین، در راستای نظارت بر حقوق بشر دو گزارش ملی مربوط به وضعیت حقوق بشر خود را به ترتیب طی برگزاری دو نشست جداگانه مربوط به بررسی دوره‌ای جهانی حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران (نشست هفتم کارگروه یو پی آر در بهمن ۱۳۸۸ برابر با فوریه ۲۰۱۰ و نشست بیستم کارگروه یو پی آر در آبان ۱۳۹۳ برابر با اکتبر ۲۰۱۴) ارائه نموده است.» [۲]. «قوه قضائیه در راستای اجرای وظایف خود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۸۸ به تنظیم لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان اقدام نمود و لایحه فوق را جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال نمود. از آن زمان تاکنون، کار بررسی لایحه در کمیسیون‌ها پایان پذیرفته و راهی صحن برای تصویب نشده است. لایحه فوق به جهت جامعیت نسبت به قانون مصوب سال ۸۱ از اهمیت به‌سزایی در سیاست کیفری ایران برخوردار می‌باشد. بیان تعاریف و اصطلاحات به‌کاررفته و مشخص نمودن موارد مخاطره‌آمیز برای کودکان و نوجوانان در کلیات لایحه و تعیین سن شمول برای تعیین کودکی مطابق با اسناد بین‌المللی حقوق کودکان و نیز تعیین حمایت‌های ماهوی کیفری و حمایت‌های شکلی در فصول لایحه از برجستگی‌های ویژه لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان می‌باشد. سیاست کیفری ایران در قبال بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان در این لایحه به خوبی ترسیم شده است.» [۶].

نتیجه‌گیری

مبرهن است همه کودکان دنیا حق دارند که خواسته‌های آنان تامین شود. نه تنها نیازهای لازم برای حیات و امنیت که منظور حق و حقوقاتی است که به آن‌ها این امکان را بدهد با نهایت توان خویش به رشد جسمی و ذهنی برسند و با توجه به سن و میزان رشدشان به‌عنوان عضوی از جامعه فعالیت مثبت و سازنده کنند و به یک شهروند علاقه‌مند و دارای مسئولیت در امور جامعه تبدیل شوند، در عین حال که از دوران کودکی شادی نیز لذت برده باشند که بالطبع بتوانند به بزرگ‌سالانی قوی و مستقل تبدیل شوند. بر اساس ماده یک پیمان جهانی حقوق کودک که به لحاظ تعداد آرای اخذشده، مقبول‌ترین سند حقوق بشر در تاریخ است، به هر انسان کمتر از ۱۸ سال کودک گفته می‌شود. مگر آن که قانون قابل اعمال در مورد کودک سن قانونی کمتری را تعیین کرده باشد. این کنوانسیون شامل ۵۴ ماده و دو پروتکل اختیاری است که در این پژوهش به تفصیل بدان پرداخته شده است. کودکان از هر نژاد، فرهنگ، مذهب، جنسیت، مقام اجتماعی، توانایی یا سن، باید از تمامی حقوق خود برخوردار باشند. این قوانین باید با توجه به منحصربه‌فرد بودن هر کودک و نیازهای خاص او و بنابر شرایط سنی، شخصیت و درجه رشد جسمی و ذهنی او انجام شده و مطابق با رشد او تغییر نمایند. طبیعی‌ست حقوق کودکان با مسئولیت‌پذیری آن‌ها همراه شود ولی از طرفی بدیهی‌ست که امری ذاتی و مستقل است و شایسته نیست و نمی‌توان حقوق کودکی را به‌خاطر ناخشنودی از بعضی رفتارهاش، نادیده گرفت و از آن محروم کرد. از دیگر سو، رعایت حقوق، امری دو طرفه است. کودکان باید یاد بگیرند که رعایت حقوق، بخشی از چیدمان روابط بشری‌ست و هر انسانی حقوقی دارد که باید رعایت کرد و حتی هنگام

ناسازگاری حق دو طرف، به مذاکره پرداخت. برای مثال، کودک حق اظهار نظر دارد، اما باید گوش دادن به نظریات دیگران را هم بیاموزد. همان‌طور که در مقدمه آیین‌نامه سازمان ملل آمده است، رشد در محیطی آرامش‌بخش که منجر به روحیه صلح‌طلب و حسی از متانت، بردباری، آزادی، برابری و هم‌بستگی می‌شود، حق هر کودک در سراسر جهان است. در نظرگرفتن نظر و تصمیم کودک، حق مسلم اوست که باید با توجه به سن و میزان پختگی او تحلیل و تفسیر شود، اما کودک نباید با باری از مسئولیت‌هایی که حمل آن خارج از حد توانایی اوست، مواجه شود. اگر کودک جرمی مرتکب شود باید در دادگاه ویژه اطفال رسیدگی شود، کودک محکوم، کم‌تر متحمل مجازات گردیده و دوره محکومیت خود را در مراکز اصلاح و تربیت و پرورش‌گاه‌ها خواهند گذراند. از طرفی در آستانه هزاره سوم؛ به دلیل پیچیدگی‌های اجتماعی و رفتاری، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و شرایط در حال گذار از سنت به مدرنیته آن‌ها، نگاه سنتی هنوز ارجحیت دارد و فرزندان به دلیل نگاه‌های جدید، روش‌های تربیتی قدیمی را نمی‌پذیرند و شایسته است علاوه بر رفع نواقص موجود، از بعد فرهنگی نیز تحلیل و آسیب‌شناسی شود. در واقع باید گفت حقوق کودک نه تنها در ایران بلکه در سایر نقاط جهان همواره با چالش‌های زیادی روبه‌رو بوده است. بسیاری از برنامه‌های مربوط به آموزش، رشد، بهداشت و حمایت کودک باید در برنامه‌ریزی‌های کلان در سطح ملی مورد توجه قرار گیرد. از این رو نقش دولت‌ها در تأمین حقوق اصلی کودکان بسیار مؤثر است و دولت‌ها موظف هستند رشد و سلامت کودکان را تضمین کنند. البته وظایف دولت‌ها، دلیل بر نفی نقش مشارکت‌های مردمی در تحقق حقوق کودک نیست. آن اندازه‌ای که خانواده‌ها، مدارس، محیط‌های آموزشی و تربیتی در احقاق حقوق کودکان می‌توانند مؤثر عمل کنند، یا دست کم؛ آگاهی‌بخش باشند و خانواده‌ها و حتی خود کودک را از حقوق وی آگاه کنند؛ شاید نتوان تأثیری برای نقش دولت و نهادهای عمومی متصور بود. البته که هر دو به موازات هم می‌توانند مکمل فرایند مهم و ضروری تحقق حقوق کودکان باشند. به‌ویژه این که افراد جامعه در کشورهای در حال توسعه‌ای چون ایران؛ بیش از سایرین نیاز به آگاهی‌بخشی دارند. در کشورهای در حال توسعه، نگاه سنتی به خانواده، نقش افراد خانواده و سهم هر یک از اعضای خانواده در تکامل و رشد مطلوب آن؛ هنوز کاملاً غالب است و متأسفانه تأثیر منفی اجتناب‌ناپذیر آن نیز کاملاً محتمل و متصور می‌نماید. جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۳، پیمان حقوق کودک را مشروط پذیرفته و مجلس شورای اسلامی نیز آن را تصویب کرده است. پذیرش و تصویب پیمان در هر کشور به‌معنای الزام اجرای آن است. اما طی این مدت متأسفانه در این زمینه اقدامات جدی صورت نگرفته و حتی در مورد اولین گام یعنی آشنایی همگان با پیمان، صرف نظر از موارد جزئی و محدود، فعالیتی انجام نشده است. روشن‌گری، آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی در مورد این پیمان مهم را می‌توان با تدوین برنامه‌ای سنجیده و تخصصی از رسانه‌های گروهی به‌ویژه رادیو و تلویزیون در سطح گسترده‌ای انجام داد تا مسیر پیش‌رو برای فعالیت‌ها و برنامه‌های دیگر درباره تحقق حقوق کودک در جامعه هموار گردد.

فهرست منابع

۱. اسدی، ل. (۱۳۸۸). تأثیر حقوق بشر بر مقررات دادرسی ایران ناظر به کودکان. مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، تهران، چاپ ۱، معاونت آموزش پلیس پیشگیری.
۲. الدكتور وهبه‌الزحیلی، الفقه الاسلامیه و ادلته، ج ۶، الطبعة الرابعة ۱۴۱۸ هـ. ق. ۱۹۹۷م. دمشق: دارالفکر بدمشق.
۳. الیاسی، ر. (۱۳۸۷). بایسته‌های دادرسی اطفال با تأکید بر جایگاه پلیس. فصل‌نامه دانش انتظامی، ۳۶ (۴): ص ۱۶۵-۱۳۴. تهران.
۴. پیمان‌نامه حقوق کودک. (۱۳۸۶). مصوب مجمع سازمان ملل متحد (یونسف) در ایران. تهران.
۵. دورانت، ویل؛ دورانت، آریل. (۱۳۷۸). تاریخ تمدن. جلد‌های ۱، ۲، و ۳. چاپ ششم. ترجمه احمد بطحایی و همکاران. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. سید روح‌الله الموسوی‌الخمینی، تحریرالوسیله، الجزء الثاني، چاپ سوم ۱۴۰۸ هـ. ق. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۷. طارمی موسوی، سیدمهدی؛ کریم‌پور آل هاشم، محمدتقی. (۱۳۹۶). بررسی حقوق کودک قبل از تولد و بعد از تولد در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی. شماره ۱۲. صفحه ۱ تا ۱۱. تهران.
۸. قانعی، محسن. (۱۳۹۵). نهادهای نظارتی بین‌المللی حقوق بشر. تهران: انتشارات دانشگاه علوم قضایی.

۹. موسوی تبار، سیدمرتضی. (۱۳۹۳). بررسی چالش‌های حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، همایش ملی ایران و چالش‌های حقوقی بین‌المللی، مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
۱۰. نوبهار، ر. (۱۳۹۰). اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری. آموزه‌های حقوق کیفری. دوره جدید (۱). ص ۹۱ - ۱۱۴.
۱۱. هیرکوالی، سیدعلیرضا، حسنی، انسیه. (۱۳۹۵). دادرسی افتراقی اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری. پژوهش‌نامه حقوق کیفری. سال هفتم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۴. تهران.